

او گفت ما با
اینها چند نسل
جنگیده ایم و من
حاضر م‌همین
الان به خاطر اینکه
پدران ما را کشته اند
با او بجنگم! خب
کشوری با این
وضعیت روز خوش
می بیند!؟

من در اینجا وارد مباحث نظری نمی شوم و تمرکز م بر مشاهدات شخصی است. نیاز ندارد ما جایگاه این تفکر را در ساختار کلامی و میان فرق موجود ذکر کنیم، چون این مباحث قبلاً مطرح شده است و شما آشنا هستید.

طالب از ابتدا یک مسأله پرمناقشه ای بوده مخصوصاً به خاطر اینکه پروژه رسانه ای پشتش آمد. البته همین کار سنگین رسانه ای را بعداً در قضیه مهسا امینی بر سر ما آوردند. یادتان هست که وقتی طالب داشت پیروز می شد فضای ملتهب رسانه ای به وجود آمد بطوری که حتی حزب الهی ها هم عکس احمد مسعود را به عنوان مجاهد زمان منتشر می کردند و از حمایت می کردند تا جلوی طالب بایستد. در واقع پشت یک تئوری ای ایستاده بودند که نهایتش جنگ و حمایت از گزینه نظامی در افغانستان بود و خب واضح بود که این خواسته کیست!

حتی اگر این سروصداهای رسانه ای هم نبود باز هم این ماجرا پرحاشیه بود به خاطر گذشته ای که این جریان داشت و در واقع برند طالب در ایران و جهان سوخته بود! من یاد م می آید در حدود ۷-۸ سال پیش برخی از سران طالب به ایران آمده بودند. از من هم دعوت شد. فکرمی کردم باید با آنها تعاملات فکری داشته باشیم که اگر یک روزی به قدرت رسیدند بتوانند رفتار مناسبی داشته باشند. البته بنده توفیق ادامه همکاری نیافتم. من چند نکته به برخی گفتم اگر نسبت به گذشته تان منتقد هستید - که بودند- با این اسم و برند قبلی ادامه ندهید. این برند سوخته است و نمی شود حتی تلطیفش کرد. مخصوصاً با آن حوادثی که در ذهن جامعه ایرانی بود و نیز بدنه مهاجران افغان که در ایران تشریف داشتند. خلاصه اینکه دینامیک عجیبی وجود داشت که باید رفت و آن را از نزدیک دید.

ما یک دوست تحصیل کرده و رسانه ای داشتیم که در کابل با هم کار می کردیم. ما خانوادگی با هم به بند امیر و بامیان رفتیم. در راه برگشت به میدان وردک که رسیدیم (میدان وردک یکی از مراکز پشتون ها و طالب است و نیز یکی از مراکز درگیری های بین کوچی ها و شیعیان) به خاطر عبور گله ای بز و گوسفند ماشین ها متوقف شده بودند. دوست ما داد زد و به چوپانی که پشتون بود گفت: داداشت را از وسط خیابان جمع کن!

به او گفتم شما که فرهیخته اید و رسانه ای هستید و اهل قلم اید چرا اینطور حرف می زنید؟ جوابی که داد خیلی برای من تکان دهنده بود با اینکه من موارد زیادی از این دست دیده بودم. او گفت ما با اینها چند نسل جنگیده ایم و من حاضر م‌همین الان به خاطر اینکه پدران ما را کشته اند با او بجنگم! خب کشوری با این وضعیت روز خوش می بیند!؟

ببینید عمق مسأله تا کجاست. بعید می دانم در سیستان و بلوچستان و یا آذر غربی و شهرهایی که قومی است، چنین حدی از نفرت نسبت به هم وجود داشته باشد. پس طالب با همان برند قبلی اش کافی بود تا مسأله ساز باشد چه برسد به اینکه درگیری هم وجود داشته باشد و رسانه های جهانی هم بیابند پشت ماجرا که البته زود جمع شد چون در میدان هیچی وجود نداشت و ما که به پنجشیر رفتیم دیدیم که هیچ نشانه ای از وقوع جنگ نیست!

یکی از دوستان که اهل سمرقند است به افغانستان آمده بود و دیدم عکسی گذاشته که طالب ها ایستاده بودند جلوی قبر پیر هرات، خواجه عبدالله انصاری و دست شان را بالا گرفته و دارند دعا می کنند. به او پیام دادم که برای تو جالب نیست که اینها دارند جلوی قبر دعا می خوانند؟ گفت نه دقت نکردم چرا دعا می خوانند. خب چون سواد فرقی نداشت! به او گفتم قبلاً یک گزارشی از شما درباره پاکستان خوانده ام که پر از غلط علمی بود. کاش شما در حوزه هایی که چیزی نمی دانید روایت نکنید و ننویسید. چون مسائل کلامی و مذهبی هم مثل دیگر علوم، علم است و باید آن را دانست.